

بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی

اثر: دکتر علی افخمی

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و محمود رضا اسدی مطلق

(از ص ۳۱ تا ۴۹)

چکیده:

تاریخچه مطالعات مربوط به خطاهای گفتار حکایت از رویکردهای گوناگون به این پدیده دارد. برخی پژوهشگران با هدف آزمودن نظریه‌های شناختی به بررسی جنبه‌هایی خاص از این پدیده از دریچه روان‌شناسی زبان پرداخته‌اند. عده‌ای دیگر تلاش کرده‌اند تا با دید زبان شناختی به خطای گفتار انواعی از طبقه‌بندی را برای آن به دست دهند. اصطلاح‌های گوناگونی در این حوزه رواج دارد. بررسی و مقایسه تعاریفی که از این اصطلاح‌ها به دست داده شده نشان‌گر میزان زیادی از هم‌پوشی بین تعاریف است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد حدود هر یک به روشنی تبیین نشده است.

برای بررسی خطاهای گفتار در زبان فارسی، پژوهشی با استفاده از داده‌های میدانی انجام شد. تعداد ۱۰۶۴ مورد خطای گفتاری در محور زبانی شامل مقوله‌های واجی، ساختوازی و نحوی، و محور فرازبانی شامل رابطه‌های جایگزینی، جابه‌جایی، افزایش، حذف و تلفیق طبقه‌بندی شدند. هم‌چنین برای بررسی رابطه متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با اجزای طبقه‌بندی و فراوانی خطاها در هر یک از اجزاء، خطاها بر اساس متغیرها تفکیک و در جداول ثبت شدند و ۶ نوبت آزمون مجذور خی انجام شد. نتایج آزمون‌ها نشان داد که بین دو متغیر پژوهش و اجزای طبقه‌بندی رابطه وجود ندارد. از سوی دیگر مشخص شد که متغیر جنسیت با فراوانی خطاها در اجزای طبقه‌بندی زبانی و فرازبانی رابطه دارد. هم‌چنین معلوم شد که بین متغیر میزان تحصیلات و فراوانی خطاها در محور فرازبانی رابطه وجود دارد. اما نتایج آزمون وجود رابطه بین این متغیر و فراوانی خطاها در محور زبانی را رد کرد.

واژه‌های کلیدی: خطای گفتار، لغزش زبان، اشتباه لفظ، خطای تشابهی.

مقدمه :

زبان بخش قابل توجهی از نقش خود را به عنوان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نظام ارتباطی بشر از راه گفتار ایفا می‌کند. بنابراین، بررسی پدیده‌های مرتبط با گفتار که به شناخت بیشتر این جنبه کارکرد زبان می‌انجامد موجب افزایش دانش مربوط به کلیت زبان خواهد شد. خطای گفتار در این میان بسیار قابل توجه است، زیرا پدیده‌ای است که در آن نظام انتزاعی موجود در ذهن گوینده گاه به گونه‌ای که در ذهن جای گرفته عینیت نمی‌یابد و هنگامی که در قالب نظام آوایی زبان به لفظ کشیده می‌شود حاصل کار متفاوت با ذهنیت گوینده است. تعارضی که هنگام وقوع خطای گفتار بین ذهنیت موجود در ذهن و عینیت متبلور در گفتار پدید می‌آید ریشه در ساز و کار ذهن و مغز انسان دارد که تبیین آن مستلزم ورود به حوزه روان‌شناسی زبان است. اما این امر از اهمیت رویکرد زبان‌شناختی به آن نمی‌کاهد. در حالی که طبقه‌بندی هر پدیده یکی از جنبه‌های شناخت آن به شمار می‌رود، به نظر می‌رسد خطای گفتار تا به حال از این جنبه مورد توجه نبوده است. دسته‌ای از پژوهش‌ها از دریچه روان‌شناسی به این پدیده نگریسته و به بررسی جنبه‌های معینی از آن پرداخته‌اند. دسته‌ای دیگر از بررسی‌ها با نگاه کمابیش سطحی به این پدیده مقولاتی را به طور محدود برای انواع گوناگون خطا به دست داده‌اند، بدون آن که تعاریف دقیق و مرزبندی‌های مشخص برای آن مقولات پیش‌رو نهند.

پژوهش‌گرانی که به بررسی خطای گفتار پرداخته‌اند هر یک اصطلاح‌هایی را به کار بسته‌اند که صرف‌نظر از تفاوت‌های صوری، همگی به پدیده‌ای واحد اشاره دارند. خطای گفتار (speech error)، لغزش زبان (slip of tongue)، خطای تشابهی (malapropism) و ابدال (reversal) از آن جمله‌اند.

ریچاردز و همکاران از خطای گفتار نام می‌برند و آن را «خطای گویشور در جریان تولید صدا، واژه و جمله» توصیف می‌کنند. هم‌چنین به سه دسته خطای گفتار به

عنوان رایج‌ترین انواع آن اشاره می‌کنند:

پیش‌گزینی که در آن صدا یا واژه در جمله زودتر از موعد تولید می‌شود
پس‌گزینی که در آن صدا یا واژه‌ای که قبلاً تولید شده دوباره تولید می‌شود
ابدال که در آن صدا، هجا یا واژه با یکدیگر جابه‌جا می‌شوند

ریچاردز و همکاران اشتباه لفظ را معادل ابدال دانسته‌اند (ریچاردز و همکاران، ۱۹۹۲، ص ۳۴۴). کریستال لغزش زبان را «انحراف ناخواسته گوینده از تولید توالی مورد نظر واحدهای زبانی» می‌شناسد که بر «صدا، هجا، تکواژ، واژه و گاه واحدهای بزرگ‌تر دستوری» تأثیر می‌گذارد. او اشتباه لفظ را لغزش زبان از نوع «ابدال» می‌نامد (کریستال، ۱۹۸۹، صص ۳-۲۶۲). کریستال تعریفی از خطای گفتار به دست نمی‌دهد و حتی اشاره مستقیم به آن ندارد، اما در مبحث هجا لغزش زبان را در زمره پدیده‌های مربوط به خطای گفتار می‌شناسد که نشان می‌دهد این دو از دیدگاه او متفاوت و در عین حال مرتبط با یکدیگرند. هم‌چنین، خطای تشابهی را «واژه‌ای نامناسب» تعریف می‌کند که «به دلیل شباهت آوایی با واژه مورد نظر به کار می‌رود» (همان مأخذ، ص ۴۲۵). یول خطای تشابهی را به مواردی اطلاق می‌کند که به جای واژه هدف واژه‌ای با شباهت واجی بسیار با آن تولید می‌شود، و به لغزش زبان اشاره می‌کند که گاه عبارات درهم ریخته را پدید می‌آورد و گاه واژه‌ها را جابه‌جا می‌کند. این نوع به گفته یول اشتباه لفظ نیز نامیده می‌شود. او به انواع دیگری از لغزش زبان نیز اشاره می‌کند که در آن‌ها صدا از یک واژه به واژه بعد منتقل می‌شود، یا صدایی که در واژه بعد وجود دارد در واژه قبل نیز به کار می‌رود. هم‌چنین، به نوعی اشاره می‌کند که در آن صداهای پایان واژه‌ها جابه‌جا می‌شوند و اضافه می‌کند که وقوع این نوع بسیار کم‌تر از جابه‌جایی صداهای آغازین واژه‌هاست. یول به این نکته اشاره می‌کند که لغزش‌های زبان تصادفی نیستند و هیچ‌گاه زنجیره‌های غیرقابل قبول واجی تولید نمی‌کنند. به نظر می‌رسد یول خطای گفتار را یک مقوله کلی و خطای تشابهی و

لغزش زبان را گونه‌های آن می‌داند. او اشتباه لفظ را نیز (چنان که گفته شد) گونه‌ای از لغزش زبان قلمداد می‌کند (بول، ۱۹۹۶، ص ۱۷۲). اچیسون از دو دسته لغزش زبانی یاد می‌کند. یک دسته خطای انتخاب است که در آن گوینده واژه نادرست را انتخاب می‌کند. دسته دیگر خطای تلفیق است که در آن واژه درست انتخاب می‌شود، اما گفتار به درستی سازمان نمی‌یابد (اچیسون، ۱۹۹۳، صص ۳۰ و ۱۲۹). مک آرتور خطای تشابهی را به کارگیری واژه‌ای با تشابه آوایی به جایی واژه مورد نظر می‌خواند. این گونه «لغزش‌ها» به «خطای تشابهی کلاسیک» و «لغزش‌های زبانی موقت» تقسیم می‌شوند که اولی ناشی از فقر معلومات است و در دیگری گوینده واژه مورد نظر را می‌شناسد، اما تصادفاً واژه دیگری را جایگزین آن می‌کند (مک آرتور، ۱۹۹۲). فرهنگ مختصر زبان‌شناسی آکسفورد خطای گفتار را «خطای تصادفی در گفتار» می‌خواند. خطای تشابهی را نیز «استفاده خطا از یک واژه به جای واژه‌ای» می‌داند که «به لحاظ آوایی شبیه آن است» (۱۹۹۷). راهنمای نویسندگان (۱۹۹۵) خطای تشابهی را کاربرد تصادفی واژه‌ای شبیه واژه مورد نظر، اما با معنی متفاوت و اغلب متضاد تعریف می‌کند.

چنان که از مقایسه تعاریف به دست داده شده از اصطلاح‌های رایج در حوزه خطای گفتار برمی‌آید، تعاریف پیش گفته به میزان قابل توجهی هم‌پوشی دارند. از این رو به نظر می‌رسد اصطلاح‌های موجود در این حوزه از زبان‌شناسی تثبیت نشده‌اند و نمی‌توان حدود هر یک را به گونه‌ای نظام‌مند تبیین کرد.

خطاهای گفتار در زبان فارسی

برای بررسی خطاهای گفتاری در زبان فارسی پژوهشی با استفاده از داده‌های میدانی شامل ۱۰۶۴ مورد خطای گفتار با اهداف زیر انجام شد:

ارائه طبقه‌بندی منسجم از خطاهای گفتار متناسب با مقتضیات زبان فارسی

بررسی رابطه متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با اجزای طبقه‌بندی
بررسی رابطه متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با فراوانی خطاها در هر یک
از اجزای طبقه‌بندی
خطای گفتار در این پژوهش به عنوان «انحراف ناخواسته گوینده از زنجیره گفتار
هدف» تعریف شده است.

بافت موقعیت: معیار تشخیص وقوع خطا

معیار تشخیص وقوع خطا و بازسازی زنجیره گفتار هدف، در آن دسته از
زنجیره‌هایی که گوینده خود با اصلاح زنجیره وقوع خطا را محرز نکرده باشد، بافت
موقعیت است. محیط فیزیکی و اشخاص حاضر در آن، اشیاء موجود در محیط و
حرکات بدنی اشخاص همگی نشانه‌هایی برای شناسایی زنجیره هدف به دست
می‌دهند. حوزه‌های واژگان و معنا در شناسایی زنجیره هدف نفیاً و نه اثباتاً دخالت
دارند. حوزه واژگان می‌تواند عدم وجود یک ناواژه را در واژگان زبان تأیید کند، اما
نمی‌تواند واژه هدف را تشخیص دهد: واژگان در داده ۱ می‌تواند نبودن ناواژه
«آسانشور» را در واژگان زبان تشخیص دهد، اما قادر به انتخاب واژه «آسانسور» به
عنوان واژه هدف نیست:

۱- یکی سوار آسانشور شد

این وضعیت در مورد حوزه معنا نیز صادق است. عناصر هر زنجیره زبانی
محدودیت‌هایی را به لحاظ باهم‌آیی معنایی بر یکدیگر تحمیل می‌کنند که می‌تواند
وقوع خطا را در زنجیره نشان دهد، اما نمی‌تواند زنجیره زبانی هدف را بازسازی
کند. حوزه معنا می‌تواند تشابه مختصه‌های معنایی دو واژه «آخر» و «پایان» در داده
۲ و وجود حشو و در نتیجه وقوع خطا را نشان دهد، اما نمی‌تواند ابزاری برای
بازسازی زنجیره هدف باشد. زیرا ممکن است زنجیره با توجه به بافت موقعیت از

جنبه دیگری نیز دارای خطا باشد، بدون این که حوزه معنا بتواند آن را تشخیص دهد:

۲- ساعت شش و پنج دقیقه‌اس و ما دیگه تو لحظات آخر پایان برنامه هستیم حوزه‌های واژگان و معنا، در عین حال، همیشه نمی‌توانند وقوع خطا را تشخیص دهند. وقوع خطا در داده ۳ (یعنی جایگزین شدن واژه «فوتبال» توسط «تلفن» تنها از طریق بافت موقعیت قابل تشخیص است:

۳- حالا هر چی تلفن می‌زنیم همشون پای تلویزیون و رادیوون تلفنا رو جواب نمی‌دن، و ایستادیم تا تلفن تموم شد. (فوتبال)
نتیجه آن که بافت موقعیت به عنوان معیار تشخیص وقوع خطا و ابزار بازسازی زنجیره هدف عمل می‌کند و حوزه‌های واژگان و معنا در برخی موارد صرفاً می‌توانند وقوع خطا را تشخیص دهند.

ابعاد تحلیل

بررسی داده‌های موجود نشان می‌دهد که خطاهای گفتار از دو بعد قابل تحلیل هستند. یک جنبه از تحلیل بر روابطی استوار است که امکان برقراری آن‌ها بین دو مجموعه وجود دارد. زنجیره‌های گفتار نیز در حکم مجموعه‌هایی هستند که این روابط در آن‌ها برقرار می‌شود. این جنبه تحلیل محور فرازبانی نامیده می‌شود. جنبه دیگر مقوله‌هایی را مبنای تحلیل قرار می‌دهد که خارج از نظام زبان به کار نمی‌آیند. این جنبه تحلیل محور زبانی نام دارد. محورهای فرازبانی و زبانی گونه‌هایی از طبقه‌بندی را به دست می‌دهند که اجزای آن‌ها شبکه‌ای از ارتباط‌های متقابل را تشکیل می‌دهند.

محور زبانی

خطاهای گفتار در محور زبانی در سه مقوله واجی، ساختوازی و نحوی طبقه‌بندی می‌شوند. مقوله واجی دارای تقسیم‌بندی درونی نیست، اما مقوله‌های ساختوازی و نحوی هر یک دارای زیرمقوله‌هایی هستند.

مقوله واجی: آن دسته از خطاهای گفتار که ناشی از دگرگونی در سطح واج‌های زبان هستند در این مقوله قرار می‌گیرند. دگرگونی واج عمدتاً در داخل واژه صورت می‌گیرد و بر یک واج تاثیر می‌گذارد. داده ۴ که در آن نقطه اصلاح زنجیره گفتار توسط گوینده، با علامت / نشان داده شده از این دست است:

۴- اگر استرش / استرس روی سیلاب آخرش باشه

شیوه نگارش در داده بالا، هم‌چنین در سایر داده‌ها، منطبق با صورت آوایی آن‌ها در زنجیره گفتار است.

دگرگونی واج‌گاه در واقع ناشی از تغییر ارزش مختصه‌های آوایی است. وقوع خطا در داده ۵ ناشی از تغییر ارزش مختصه‌آوایی واک از مثبت به منفی است:

۵- داره انرژی تابشی صا تر / صادر می‌کنه

دگرگونی واج ممکن است بر دو واج متعلق به واژه‌های جداگانه تاثیر گذارد. مانند داده ۶ که در آن واژه‌های هدف با استفاده از بافت موقعیت بازسازی و در داخل علامت () به دست داده شده‌اند:

۶- پره و کنیر (کره و پنیر)

مقوله ساختوازی: آن دسته از خطاهای گفتار که حاصل دگرگونی واژه یا تکواژهای آن هستند در این مقوله واقع می‌شوند. مقوله ساختوازی به چهار زیرمقوله واژگانی، پایه‌ای، وندی و پایه‌ای - وندی تقسیم می‌شود.

در زیر مقوله واژگانی وقوع خطا ناشی از دگرگونی واژه به صورت کامل است. یعنی تمام تکواژهای سازنده واژه در دگرگونی شرکت دارند:

- ۷- هر کدوم می خوان حرف همدیگه رو به کرسی بنشونن (خودشون)
در زیر مقوله پایه‌ای وقوع خطا حاصل دگرگونی تکواژ پایه در واژه است. در این حالت سایر تکواژهای واژه تغییر نمی‌کنند:
- ۸- حالا ممکنه نامه‌اش زودتر / چیز، دیرتر برسه
در زیر مقوله وندی وقوع خطا نتیجه دگرگونی یک وند در واژه بدون تغییر سایر تکواژهای آن است:
- ۹- نبودن توپ هندبالیست برای بچه‌های هندبال (نبودن توپ هندبال برای بچه‌های هندبالیست)
در زیر مقوله پایه‌ای - وندی بخش دگرگون شده واژه شامل پایه و وند است. تفاوت این زیرمقوله با زیرمقوله واژگانی این است که در آن حالت تکواژهای واژه‌های غیر بسیط که دگرگون می‌شوند در واقع تشکیل دهنده تمام واژه هستند، اما در زیر مقوله پایه‌ای - وندی تمام تکواژها تغییر نمی‌کنند:
- ۱۰- از کی تا حالا دوستای دفترت می‌گیری؟ (دفتر دوستات)
مقوله نحوی: اگر خطای گفتار شامل برش طولانی تر از واژه باشد یا بر ساختار نحوی زنجیره تاثیر گذارد در این مقوله قرار می‌گیرد. گونه‌های مختلف خطا در این مقوله قابل دسته‌بندی به سه زیر مقوله ساختاری، گروهی و فراگروهی هستند. در زیر مقوله ساختاری وقوع خطا مربوط به عناصری مانند حرف اضافه، حرف ربط، کسره اضافه، پرسش واژه و نظایر آنها است. عناصری از این دست اگر چه طولانی تر از واژه نیستند، بر ساختار نحوی زنجیره تاثیر می‌گذارند:
- ۱۱- اطلاعات مفیدی به مردم / از مردم به ما می‌رسید
در زیر مقوله گروهی خطا در تمام یا بخشی از یک گروه نحوی واقع می‌شود. دگرگونی به گروه معینی محدود نمی‌شود:
- ۱۲- ذرات بزرگ ملکول‌ها از خون / منافذ کپسول بومن عبور نمی‌کنند.

برشی که در وقوع خطا شرکت دارد گاه از یک عنصر واژگانی (نوعاً اسم) و یک تکواژ دستوری (عمدتاً کسره اضافه) تشکیل می‌شود:

۱۳- نفر اول که انجام تنفس مصنوعی روداره (نفر اول که وظیفه انجام تنفس مصنوعی روداره)

داده ۱۴ نمونه دگرگونی گروه فعلی به شمار می‌رود:

۱۴- ممکنه اصلاً قرض‌گیری‌ای دخال نبوده / دخالت نداشته

در زیر مقوله فراگروهی خطای گفتار در برشی از زنجیره گفتار واقع می‌شود که بزرگ‌تر از گروه است:

۱۵- زننده گل به میدان می‌آد / معذرت می‌خوام، از میدان خارج می‌شه

محور فرازبانی

وقوع خطای گفتار در محور فرازبانی موجب برقراری یک رابطه فرازبانی بین زنجیره‌های هدف و خطا می‌شود. محور فرازبانی شامل پنج رابطه جایگزینی، جابه‌جایی، حذف، افزایش و تلفیق است.

رابطه جایگزینی: این رابطه در صورت جایگزینی یک برش به جای برش دیگر بین زنجیره هدف و خطا برقرار است. رابطه جایگزینی بر اساس ویژگی‌های برش هدف که جای خود را به برش خطا می‌دهد در سه مقوله واجی، ساختوازی و نحوی برقرار می‌شود.

در جایگزینی در مقوله واجی یک واج جایگزین واج دیگر می‌شود:

۱۶- رهبر روحانی جنبش مقاومت اسلامی در فلسطین، حماس، طالبان را آلت

دست آمریکادانشت (دانست)

در جایگزینی در مقوله ساختوازی یک واژه یا تکواژ جایگزین واژه یا تکواژ دیگر

می‌شود:

۱۷- الحمدالله چشم بابات کور شد / خوب شد

۱۸- البته یه ذره رو شلوارتون می افته (کفشتون)

در جایگزینی در مقوله نحوی یک عنصر دستوری (عمدتاً حرف اضافه) یا برش طولانی تر از واژه جای خود را به عنصر دستوری یا برش دیگر می دهد:

۱۹- با دست نمی تونه استفاده کنه (از)

۲۰- این دو مثلث طبق وتر و یک ضلع با هم برابرند (زاویه تند)

رابطه جابه جایی: این رابطه در صورتی بین زنجیره هدف و خطا برقرار می شود که دو برش جای خود را به یکدیگر دهند. رابطه جابه جایی در مقوله های واجی، ساختوازی و نحوی مشاهده می شود.

در جابه جایی در مقوله واجی دو واج در سطح واژه یا برش بزرگ تر از واژه با یکدیگر جابه جا می شوند:

۲۱- فوشِر / شوْفِرِ محل

۲۲- از محبت گارها خُل می شود / خارها گُل می شود

در جابه جایی در مقوله ساختوازی دو واژه یا تکواژ با یکدیگر جابه جا می شوند:

۲۳- دیدین دختره از رو گریه افتاده بود اسب می کرد (از رو اسب افتاده بود گریه

می کرد)

۲۴- مگه ما کاسه آش تر از داغیم (داغ تر از آشیم)

در جابه جایی در مقوله نحوی حداقل یکی از دو برش جابه جا شده بزرگ تر از واژه، یا یکی از عناصری است که بر ساختار نحوی زنجیره تاثیر می گذارند:

۲۵- پنج میلیون تومن کرایه، صد هزار تومن پول پیش (پنج میلیون تومن پول

پیش، صد هزار تومن کرایه)

۲۶- اگه گفت مفرد باشه (گفت اگه مفرد باشه)

رابطه حذف: این رابطه در صورت حذف یک برش بین زنجیره هدف و خطا

برقرار است.

رابطه حذف در سه مقوله واجی، ساختواژی یا نحوی مشاهده می‌شود.

در حذف در مقوله واجی یک واج از واژه حذف می‌شود:

۲۷- پس چرا از صدا و سیما پش می‌کنن؟ (پخش)

در حذف در مقوله ساختواژی یک واژه یا تکواژ از زنجیره حذف می‌شود:

۲۸- بین وزارت خارجه و وزارت بازرگانی همکاری خوبی داره / وجود داره

۲۹- خدا باید پرست بشه / پرستش بشه

در حذف در مقوله نحوی یک عنصر دستوری (نوعاً حرف اضافه) یا برش

طولانی‌تر از واژه از زنجیره حذف می‌شود:

۳۰- وهوشنگ لوینیان بازی / از بازی خارج می‌شه

۳۱- بهترین فرزندان این مردم / در زمانی که بهترین فرزندان این مردم...

رابطه افزایش: این رابطه هنگامی بین زنجیره هدف و خطا برقرار است که یک

برش به زنجیره افزوده شود. رابطه افزایش در مقوله‌های واجی، ساختواژی و نحوی

مشاهده می‌شود.

در افزایش در مقوله واجی یک واج به واژه افزوده می‌شود:

۳۲- و ما امیدواریم که با تکرار این جلسات اون روح اخویت / اخوت ...

در افزایش در مقوله ساختواژی یک واژه یا تکواژ به زنجیره افزوده می‌شود:

۳۳- یا سایر قسمت‌ها که منعکس پیدا می‌شد

۳۴- که توضیحات لازم رو همکاران / همکار خوبم...

در افزایش در مقوله نحوی یک عنصر دستوری یا برش طولانی‌تر از واژه به

زنجیره افزوده می‌شود:

۳۵- تونی بلیر با اشاره به این که بامداد امروز به دستور / دستور حمله به عراق

را صادر کرده...

رابطه تلفیق: این رابطه هنگامی برقرار است که برش خطا حاصل درهم آمیختگی دو برش بالقوه یا بالفعل هدف باشد، به گونه‌ای که اجزایی از هر یک در برش خطا وجود داشته باشند.

ممکن است برخی اجزای دو برش هدف از برش خطا حذف شوند، یا واج‌هایی که در هیچ یک از دو برش نبوده‌اند اضافه شوند. این رابطه در مقوله‌های ساختوازی و نحوی برقرار می‌شود.

در تلفیق در مقوله ساختوازی دو واژه با یکدیگر می‌آمیزند. حاصل تلفیق ممکن است یک یا دو واژه یا ناواژه باشد:

۳۶- گردش خون عمومی به دهلیز خات رسم می‌شود / به دهلیز راست ختم می‌شود واژه‌هایی که اسم خاص هستند نیز با یکدیگر تلفیق می‌شوند:

۳۷- شهرهای مکرّب و یثرب در سر راه کاروان‌های تجارتنی قرار داشتن / شهرهای یثرب و مکه در سر....

داده ۳۸ تلفیق دو واژه مشتق و مرکب را با یکدیگر نشان می‌دهد:

۳۸- ظرف در بسته‌دار (دردار و درسته)

در تلفیق در مقوله نحوی دو برش طولانی‌تر از واژه درهم می‌آمیزند:

۳۹- حوادث تصادف که ممکنه گریبان‌گیر آدم بگیره (گریبان‌گیر آدم بشه و

گریبان آدم بگیره)

زیر مقوله‌هایی که پیش‌تر برای مقوله‌های ساختوازی و نحوی بیان شدند در رابطه تلفیق مطرح نمی‌شوند. رابطه تلفیق در مقوله ساختوازی معمولاً حاصل تولید یک یا دو ناواژه است. از این رو نمی‌توان قائل به وجود زیر مقوله‌هایی شد که به دگرگونی پایه‌ها و وندهای واژه می‌پردازند. رابطه تلفیق در مقوله نحوی نیز عباراتی را درهم می‌آمیزد که ساختار نحوی هر یک معمولاً طولانی‌تر از گروه است. بنابراین زیر مقوله‌هایی که برای مقوله نحوی برشمرده شدند در رابطه تلفیق به کار

نمی آیند.

در حالی که رابطه‌های جایگزینی، جابه‌جایی، حذف و افزایش ناظر بر هر سه مقوله محور زبانی هستند، رابطه تلفیق در مقوله واجی برقرار نیست. این امر به لحاظ نظری قابل پیش‌بینی و توجیه‌پذیر است: دو واج نمی‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند.

رابطه متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با طبقه‌بندی خطاها

برای تعیین رابطه متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با اجزای طبقه‌بندی و فراوانی خطاها در هر یک از اجزا، خطاها در محورهای فرازبانی و زبانی بر اساس دو متغیر پژوهش تفکیک شدند. جدول شماره ۱ فراوانی خطاها در رابطه‌های فرازبانی را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: فراوانی خطاهای گفتار در رابطه‌های فرازبانی به تفکیک جنسیت

جمع	تلفیق		افزایش		حذف		جابه‌جایی		جایگزینی		رابطه
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶۸۶	۱/۹۰	۱۳	۳/۳۵	۲۳	۴/۹۶	۳۴	۱۰/۳۵	۷۱	۷۹/۴۴	۵۴۵	
۳۷۸	۳/۷۰	۱۴	۱/۵۹	۶	۲/۹۱	۱۱	۱۷/۲۰	۶۵	۷۴/۶۰	۲۸۲	

چنان که در جدول بالا دیده می‌شود، خطاهای گفتار در هر دو جنس مذکر و مونث در پنج رابطه فرازبانی مشاهده شده‌اند. این امر وجود ارتباط بین متغیر جنسیت و اجزای طبقه‌بندی فرازبانی را نفی می‌کند. برای تعیین رابطه احتمالی این متغیر با فراوانی خطاها در اجزای طبقه‌بندی، آزمون مجذور خی با استفاده از فرمول $\chi^2 = \sum \frac{(F_o - F_e)^2}{F_e}$ روی داده‌ها انجام شد. عدد حاصل از انجام آزمون ۱۸/۰۲ است که از عدد مربوط در جدول مجذور خی با سطح اطمینان ۹۹ درصد بزرگ‌تر است ($\chi^2_{جدول} = ۱۳/۲۸ < \chi^2_{ob} = ۱۸/۰۲$). نتیجه آزمون نشان دهنده

رابطه جنسیت با فراوانی خطاهای گفتار در رابطه‌های فرازبانی است. جدول شماره ۲ نشان‌گر فراوانی خطاها در رابطه‌های فرازبانی به تفکیک میزان تحصیلات است:

جدول شماره ۲: فراوانی خطاهای گفتار در رابطه‌های فرازبانی به تفکیک میزان تحصیلات

گروه	جایگزینی		جابه‌جایی		حذف		افزایش		تلفیق	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دانشگاه	۶۱۵	۸۲/۵۵	۵۳	۷/۱۱	۳۳	۴/۴۳	۲۷	۳/۶۳	۱۷	۲/۲۸
دبیرستان	۲۱۲	۶۶/۴۶	۸۳	۲۶/۰۲	۱۲	۳/۷۶	۲	۰/۶۳	۱۰	۳/۱۳

وقوع خطاهای گفتار در هر دو گروه تحصیلی در تمام رابطه‌های فرازبانی نشان می‌دهد که بین متغیر تحصیلات و اجزای طبقه‌بندی فرازبانی رابطه وجود ندارد. آزمون مجذور خی روی اطلاعات جدول انجام شد. عدد به دست آمده ۷۸/۱۳ است که از عدد مربوط در جدول مجذور خی با سطح اطمینان ۹۹ درصد بزرگ‌تر است ($x^2_{ob} = 78/13 > x^2_{جدول} = 13/28$)

نتیجه نشان می‌دهد که میزان تحصیلات با فراوانی خطاهای گفتار در اجزای طبقه‌بندی فرازبانی رابطه دارد.

جدول شماره ۳ فراوانی خطاهای گفتار را در مقوله‌های زبانی به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد:

جدول شماره ۳: فراوانی خطاهای گفتار در مقوله‌های زبانی به تفکیک جنسیت

مقوله	واجی		ساختوازی		نحوی		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مرد	۱۵۶	۲۲/۷۴	۴۲۳	۶۱/۶۶	۱۰۷	۱۵/۶۰	۶۸۶
زن	۸۰	۲۱/۱۶	۲۶۱	۶۹/۰۵	۳۷	۹/۷۹	۳۷۸

خطاهای گفتار در هر دو جنس در تمام مقوله‌های محور زبانی رخ داده‌اند. این

امر وجود ارتباط بین جنسیت و اجزای طبقه‌بندی زبانی را منتفی می‌سازد. آزمون مجذور خی روی اطلاعات جدول انجام شد. عدد به دست آمده از آزمون $8/42$ است که از عدد مربوط در جدول مجذور خی با سطح اطمینان ۹۵ درصد بزرگ‌تر است

($5/99 = \chi^2_{\text{جدول}} > \chi^2_{\text{ob}} = 8/42$). نتیجه نشان می‌دهد که جنسیت با فراوانی خطاهای گفتار در مقوله‌های زبانی رابطه دارد. جدول شماره ۴ نشان‌گر فراوانی خطاهای گفتار در مقوله‌های زبانی به تفکیک میزان تحصیلات است:

جدول شماره ۴: فراوانی خطاهای گفتار در مقوله‌های زبانی به تفکیک میزان تحصیلات

جمع	نحوی		ساختواژی		واجی		مقوله / گروه
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷۴۵	۱۴/۶۳	۱۰۹	۶۳/۲۲	۴۷۱	۲۲/۱۵	۱۶۵	دانشگاه
۳۱۹	۱۰/۹۷	۳۵	۶۶/۷۷	۲۱۳	۲۲/۲۶	۷۱	دبیرستان

وقوع خطا در تمام مقوله‌های زبانی در هر دو گروه تحصیلی نشان می‌دهد که بین متغیر تحصیلات و اجزای طبقه‌بندی زبانی رابطه وجود ندارد. عدد حاصل از انجام آزمون مجذور خی روی اطلاعات جدول $2/65$ است که از عدد مربوط در جدول مجذور خی با سطح اطمینان ۹۵ درصد کوچک‌تر است ($5/99 = \chi^2_{\text{جدول}} < \chi^2_{\text{ob}} = 2/65$) وجود رابطه بین میزان تحصیلات و فراوانی خطاهای گفتار را در اجزای طبقه‌بندی زبانی منتفی می‌سازد.

نتیجه

نتایج آزمون‌های مجذور خی نشان داد که توزیع فراوانی خطاهای گفتار در رابطه‌های فرا زبانی با جنسیت رابطه دارد. بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به رابطه جایگزینی و جابه‌جایی است. ترتیب سایر رابطه‌ها در دو جنس متفاوت

است. در جنس مذکر رابطه‌های حذف، افزایش و تلفیق به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند. این ترتیب در جنس مونث به صورت تلفیق، حذف و افزایش است. درصد فراوانی رابطه‌ها در دو گروه در زیر نشان داده شده است:

مرد: جایگزینی (۷۹/۴۴ درصد) < جابه‌جایی (۱۰/۳۵) < حذف (۴/۹۶) < افزایش (۳/۳۵) < تلفیق (۱/۹۰)

زن: جایگزینی (۷۴/۶۰ درصد) < جابه‌جایی (۱۷/۲۰) < تلفیق (۳/۷۰) < حذف (۲/۹۱) < افزایش (۱/۵۹)

رابطه میزان تحصیلات با فراوانی خطاهای گفتار در رابطه‌های فرا زبانی بنابر آزمون مجذور خی تأیید شد. در هر دو گروه تحصیلی بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به رابطه‌های جایگزینی و جابه‌جایی است. در گروه دانشگاه سایر رابطه‌ها به ترتیب حذف، افزایش و تلفیق هستند. ترتیب فراوانی در گروه دبیرستان به صورت حذف، تلفیق و افزایش است. درصد فراوانی‌ها در دو گروه در زیر مشاهده می‌شود: دانشگاه: جایگزینی (۸۲/۵۵ درصد) < جابه‌جایی (۷/۱۱) < حذف (۴/۴۳) < افزایش (۳/۶۳) < تلفیق (۲/۲۸)

دبیرستان: جای‌گزینی (۶۶/۴۶ درصد) < جابه‌جایی (۲۶/۰۲) < حذف (۳/۷۶) < تلفیق (۳/۱۳) < افزایش (۰/۶۳)

آزمون مجذور خی رابطه جنسیت را با فراوانی خطاهای گفتار در مقوله‌های زبانی تأیید کرد. ترتیب فراوانی در هر دو جنس به صورت ساختوازی، واجی و نحوی است. درصد فراوانی‌ها در زیر به دست داده شده است:

مرد: ساختوازی (۶۱/۶۶ درصد) < واجی (۲۲/۷۴) < نحوی (۱۵/۶۰)

زن: ساختوازی (۶۹/۰۵ درصد) < واجی (۲۱/۱۶) < نحوی (۹/۷۹)

رابطه میزان تحصیلات با فراوانی خطاهای گفتار در مقوله‌های زبانی بنا بر نتیجه آزمون مجذور خی رد شد. ترتیب فراوانی‌ها در هر دو گروه تحصیلی به صورت

ساختواژی، واجی و نحوی است و درصد آن‌ها در زیر بیان شده است:

دانشگاه: ساختواژی (۶۳/۲۲ درصد) < واجی (۲۲/۱۵) < نحوی (۱۴/۶۳)

دبیرستان: ساختواژی (۶۶/۷۷ درصد) < واجی (۲۲/۲۶) < نحوی (۱۰/۹۷)

وقوع خطاهای گفتار در تمام مقوله‌های زبانی و رابطه‌های فرا زبانی به تفکیک متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات نشان داد که این دو متغیر بر اجزای طبقه‌بندی فرا زبانی و زبانی خطاهای گفتار بی‌تأثیر هستند. این کلام بدان معناست که دو عامل بالا بر کیفیت خطاهای گفتار تأثیرگذار نیستند. در توجیه این امر می‌توان به جایگاه اجتماعی و فردی زبان توجه کرد. زبان در بعد اجتماعی ابزار برقراری ارتباط بین انسان‌هاست و می‌تواند نیازهای ارتباطی فرهنگ و جامعه‌ای را که در آن به کار می‌رود برآورده سازد. از سوی دیگر، زبان در بعد روان‌شناختی یکی از توانایی‌های ذهن انسان در کنار سایر قوای ذهنی اوست. عدم وجود ارتباط بین متغیرهای پیش گفته و اجزای طبقه‌بندی نشان می‌دهد که آن دسته از عوامل فیزیولوژیک که ارتباط مستقیم با ساز و کار مغز ندارند، مانند جنسیت، یا عوامل اجتماعی مانند میزان تحصیلات بر مطلق زبان به عنوان یکی از قوای ذهنی بی‌تأثیر هستند. فرد سالم با هر میزان تحصیلات می‌تواند نیازهای ارتباطی خود را به کمک زبان برآورده سازد. یک جنسیت خاص یا تحصیلات پایین‌تر موجب نمی‌شود که فرد ناتوان از برقراری ارتباط باشد. از این رو، کیفیت موارد تصادفی ناتوانی مغز در انتقال مفهوم مورد نظر گوینده (که به صورت انحراف گوینده از زنجیره گفتار هدف بروز می‌کند) بدون آنکه از جنسیت یا میزان تحصیلات تأثیر پذیرد احتمالاً تحت تأثیر آن دسته از عوامل روان‌شناختی یا فیزیولوژیک است که بر ساز و کار مغز اثر می‌گذارند.

طبقه‌بندی‌هایی که برای خطای گفتار به دست داده شده‌اند از دو جهت دارای کفایت لازم برای تحلیل خطاها نیستند. اول آن که اجزائی که به دست می‌دهند در

برگیرنده همه گونه‌های خطا نیستند، و دوم آن که معمولاً مقوله‌های زبانی و رابطه‌های فرازبانی را به صورت متباین قلمداد می‌کنند، به گونه‌ای که یک خطای فرضی ممکن است در یک مقوله زبانی یا در یک رابطه فرازبانی طبقه‌بندی شود، و نه در هر دو.

طبقه‌بندی ارائه شده در این پژوهش دارای دو ویژگی است؛ از یک سو دارای توان تحلیلی بالا است، به گونه‌ای که از مجموع داده‌های موجود حدود ۱۰ مورد از تحلیل حذف شده‌اند. از سوی دیگر خطاها در این شیوه طبقه‌بندی با استفاده از مقوله‌های زبانی و رابطه‌های فرازبانی به صورت توأم با یکدیگر طبقه‌بندی می‌شوند.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که تمام خطاهای قابل طبقه‌بندی گفتار را می‌توان در دو محور فرازبانی و زبانی تحلیل کرد. از سوی دیگر، مقوله‌های زبانی و رابطه‌های فرازبانی هیچ‌یک به تنهایی نمی‌توانند طبقه‌بندی کاملی از خطاهای گفتار به دست دهند، زیرا محدود کردن تحلیل به هر یک از محورها مجموعه‌ای از ارتباط‌های متقابل را که در انواع خطاهای گفتار وجود دارند از نظر مخفی می‌دارد و موجب پوشیده ماندن میزان قابل توجهی از وجوه تشابه و تفاوت نظام‌مند و تعمیم‌های موجود در خطاهای گفتار می‌شود. بنابراین طبقه‌بندی دوبعدی بر پایه محورهای فرازبانی و زبانی می‌تواند تصویر جامع‌تری از خطاهای گفتار را که انطباق بیشتری با واقعیت دارد به نمایش گذارد.

منابع:

- Aitchison, Jean. 1993. *Linguistics*. 2nd imp. Hodder & Stoughton
- The Concise Oxford Dictionary of Linguistics. 1997. Oxford University Press. 2001.
- Xrefer. Com.
- Crystal, David. 1989. *The Cambridge Encyclopedia of Language*. Rep. Cambridge:

Cambridge University Press.

McArthur, Tom. 1992. *The Oxford Companion to the English Language*. 2001.

Xrefer. Com.

Richards, Jack C. and John Platt and Heidi Platt. 1992. *Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics*. 2nd ed. Essex: Longman Group UK Limited.

The UVic Writer's Guide. 1995. The Department of English, University of Victoria.

Yule, George. 1996. *The Study of Language*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.